

ایقاع نامعین و تعهد یک طرفه

(چالش، ارزیابی، حاصل)

(مقاله علمی-پژوهشی)

عباس قاسمی حامد*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰

چکیده

عمل حقوقی «ایقاع» در صورتی که ضرری برای دیگری نداشته باشد (مگر در موارد مصرح قانونی مانند: طلاق)، با اراده یک طرف اثر حقوقی خواهد داشت. در قانون مدنی، دسته‌ای از ایقاع‌ها، همانند «عقود معین» نام‌گذاری شده و دارای احکام خاص می‌باشند. لیکن، اعتبار «ایقاع نامعین» در حقوق ایران، محل بحث و مناقشه قرار گرفته است. اختلاف حقوق دانان ایرانی در خصوص اعتبار عام «تعهد یک طرفه» به عنوان منبع ایجاد تعهد نیز، به اختلاف در اعتبار «ایقاع نامعین» بازمی‌گردد. حال این پرسش مطرح است: آیا علاوه بر مواردی از «ایقاع معین» که مقررات آن صریحاً در قانون پیش‌بینی شده، دلیل دیگری برای اثبات اعتبار عام «ایقاع نامعین» وجود دارد؟ به عبارت دیگر، همان‌گونه که برای صحت عقود نامعین به ماده ۱۰ قانون مدنی استناد می‌گردد، آیا مستندی برای صحت و اعتبار عام «ایقاع نامعین» و «تعهد یک طرفه» به عنوان مصداق آن در حقوق ایران وجود دارد؟ با توجه به مندرجات ماده ۳۰ قانون مدنی به نظر می‌رسد؛ در نظام حقوقی ایران، «ایقاع نامعین» در حوزه «حقوق مالی»، دارای ارزش و اعتبار حقوقی و قانونی است. براین اساس، «تعهد یک طرفه» راجع به «حقوق مالی» نیز که مصداق «ایقاع نامعین» است، صحیح و دارای اثر حقوقی خواهد بود.

کلیدواژگان:

ایقاع، ایقاع نامعین، ایجاد، اسقاط، اعراض، تعهد یک طرفه، قاعده تسلیط، ماده ۳۰ قانون مدنی.

* استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

رویدادهای دارای اثر حقوقی، در زندگی اجتماعی اشخاص، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نمایند. این رویدادها به دو گروه «وقایع حقوقی» و «اعمال حقوقی» تقسیم می‌گردند. «وقایع حقوقی» ممکن است ارادی باشند، همچون غصب و یا طبیعی باشند مانند تولد و مرگ. اثر حقوقی یک «واقعه حقوقی» به حکم قانون تعیین می‌گردد و اراده شخص در تعیین آن نقشی ندارد. لیکن، «اعمال حقوقی» با اراده شخص و به منظور ایجاد اثر حقوقی خاصی که مورد تایید قانونگذار است، شکل می‌گیرند مانند: عقود و ایقاعات.^۱

برای شکل‌گیری عقد و قرارداد، وجود حداقل دو اراده ضروری است و اثر حقوقی مطلوب آن، محصول تراضی طرفین است. عقد و قرارداد با یک اراده و انشاء شکل نمی‌گیرد و محقق نمی‌گردد. لیکن، شکل‌گیری و تحقق عمل حقوقی «ایقاع» تنها وابسته به یک اراده است. این عمل حقوقی با اراده یک طرف و قصد انشاء و رضای او، منشأ اثر حقوقی خواهد شد، بدون این- که تأثیر قصد و رضای یک‌طرفه یادشده، ضروری برای دیگری داشته باشد مگر، در موارد مصرح قانونی مانند طلاق.^۲

«ایقاع» نهاد حقوقی مستقل و متفاوت با «عقد یک‌طرفه» است. در «عقد یک‌طرفه»، طرف مقابل وجود دارد اما الزام و التزامی در این عمل حقوقی برای طرف مقابل «عقد یک‌طرفه» وجود ندارد. لیکن، در «ایقاع» الزاماً وجود طرف مقابل ضروری نیست. در «ایقاع» موضوع ماده ۱۴۳ قانون مدنی^۳ و ذیل ماده ۱۷۸ این قانون که از مصادیق تملک هستند^۴، «ایقاع» در قالب «ایجاد» شکل گرفته و تحقق این عمل حقوقی نیازمند طرف مقابل نیست. همچنین، برای تحقق

۱. ر.ک. کاتوزیان، دکتر ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع، شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم، ۱۳۹۲، ص. ۲۰، ش. ۵- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲، ش. ۳۷۷۹

۲. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، همان منبع، ش. ۷۸۹ - کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، ایقاع، (نظریه عمومی-ایقاع معین)، یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص. ۲۶ و ۲۹ - امامی، دکتر سیدحسین، حقوق مدنی، ج. ۳، ص. ۱۰۴

۳. ماده ۱۴۳ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «هر کس از اراضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملک احیاء کند مالک آن قسمت می‌شود.»

۴. ماده ۱۷۸ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.»

«اعراض» موضوع صدر ماده ۱۷۸ یادشده که از مصادیق تحقق ایقاع در قالب اعراض از حق عینی است، نیازی به وجود طرف مقابل نمی‌باشد.

در قانون مدنی ایران، دسته‌ای از ایقاع‌ها همانند «عقود معین» نام‌گذاری شده و دارای احکام خاص می‌باشند مانند: حیازت مباحات (مواد ۱۴۱ به بعد قانون مدنی)، طلاق (مواد ۱۱۳۳ به بعد قانون مدنی) و اخذ به شفعه (مواد ۸۰۸ به بعد قانون مدنی). لیکن، صحت و اعتبار «ایقاع نامعین» در نظام حقوقی ایران، محل بحث و مناقشه حقوقدانان قرار گرفته است. اختلاف حقوقدانان ایرانی در خصوص اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» به عنوان منبع ایجاد تعهد نیز به اختلاف در صحت و اعتبار «ایقاع نامعین» بازمی‌گردد. «تعهد یک‌طرفه»، تعهدی است که شخص به قصد یک‌طرفی خود و به نفع دیگری ایجاد می‌کند.^۱

در فقه امامیه، به نظر عده‌ای، تعهد یک‌جانبه الزام آور نمی‌باشد.^۲ لیکن، بعضی از فقها معتقدند؛ «قصد یک‌طرفه منشأ تعهد می‌شود».^۳ مرحوم سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، صاحب کتاب عروه الوثقی «تعهد یک‌طرفه» را تحت عنوان «شرط ابتدایی» مطرح نموده است.^۴ صاحب کتاب عروه الوثقی، شرط ابتدایی را همانند تعهدات دیگر، معتبر شمرده و پایبندی به آن را لازم دانسته است.^۵ به نظر ایشان، شرط (خواه در ضمن عقد باشد یا مستقل) به معنی مطلق الزام و التزام است و براین اساس، شامل شرط ابتدایی نیز می‌شود.^۶ به نظر می‌رسد، عموم حدیث

۱. جعفری لنگرودی، *ترمینولوژی حقوق*، همان منبع، ش. ۱۳۴۹.

۲. صفائی، دکتر سیدحسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۴ زیرنویس ۱ از ص ۲۲ - جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۴۰، ص. ۱۳۳، ش. ۳۵۲.

۳. نجفی الخوانساری، الشیخ موسی، *منیه الطالب فی حائیه المکاسب*، (تقریرات درس آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی)، چاپخانه حیدریه، طهران، چاپ سنگی، ج ۲، ص. ۱۲۳ - جعفری لنگرودی، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، همان منبع، ص. ۱۳۴، ش. ۳۵۳.

۴. جعفری لنگرودی، *ترمینولوژی حقوق*، همان منبع، ش. ۱۳۴۹ - لنگرودی، *تأثیر اراده*، ص. ۱۳۳، ش. ۳۵۵.

۵. نجفی‌راد، محمدحسن، *وجوب وفا به شروط و تعهدات ابتدایی از نظر سید یزدی*، نشریه فقه، پژوهشگاه علم و فرهنگ اسلامی، دوره ۱۹، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۷۳، ص. ۳ الی ۲۹.

۶. در مقام تعریف شرط مرحوم سید محمدکاظم طباطبائی یزدی، صاحب کتاب عروه الوثقی می‌فرماید: «اقول الحق ان الشرط بمعنی مطلق الالتزام و الالتزام فیشمل الشروط البدویه» نجفی‌راد، *وجوب وفا به شروط و*

«المسلمون (المؤمنون) عند شروطهم»^۱ مبنای مناسبی برای اثبات ادعای لزوم وفای به مندرجات «شرط ابتدایی و تعهد یک‌طرفه» باشد.

در حقوق فرانسه، عمل حقوقی یک‌طرفه که با یک اراده واقع می‌شود، در ذیل عناوین «عمل-حقوقی یک‌طرفه»^۲ و «وعده یک‌طرفه»^۳ مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. از سوی دیگر، «التزام یک‌طرفه»^۴ و «عقد یک‌طرفه»^۵ نیز در قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی شده است.^۶

پس از شناسایی نهاد حقوقی ایقاع (فصل اول) به طرح نظرات موافقین و مخالفین اندیشه «اعتبار ایقاع نامعین و تعهد یک‌طرفه» پرداخته خواهد شد (فصل دوم) و پس از آن، ماده ۳۰ قانون مدنی مورد بررسی قرار خواهد گرفت (فصل سوم) تا پس از ارزیابی استدلال مخالفین نظریه «اعتبار عام و ارزش تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران» به این پرسش پاسخ دهیم؛ آیا علاوه بر مواردی از «ایقاع معین» که مقررات آن صریحاً در قانون پیش‌بینی شده است، دلیل دیگری مبنی بر صحت و اعتبار عام «ایقاع نامعین» وجود دارد؟ به عبارت دیگر، همانگونه که برای صحت عقود غیرمعین به ماده ۱۰ قانون مدنی استناد می‌گردد، آیا مستندی برای صحت و اعتبار عام «ایقاع نامعین» و یا «تعهد یک‌طرفه» در حقوق ایران وجود دارد؟ (فصل چهارم)

۱. شناسایی ایقاع

آشنایی با چگونگی شکل‌گیری عمل حقوقی یک‌طرفه ایقاع و امکان رد آن (قسمت اول) به همراه شناسایی آثار آن (قسمت دوم) زمینه ورود به بحث اعتبار تعهد یک‌طرفه و ایقاع نامعین را فراهم خواهد ساخت.

→ **تعهدات ابتدایی از نظر سید یزدی**، همان منبع، همان جا - جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، **حقوق تعهدات**، ج اول، انتشارات مدرسه عالی امور قضائی و اداری (قم)، چاپ اول، ۱۳۵۴، ش. ۴۶.

۱. زیرنویس شماره ۴ ص. ۳۳ - حرالعالمی، محمدبن‌الحسن، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، ج. ۱۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، بی تا، ص. ۳۵۳.

2. Les actes juridiques unilatéraux (Article 1100-1)

3. La promesse unilatérale (Article 1124)

4. L'engagement unilatéral

5. Le contrat unilatéral (Article 1103 anc.)(Article 1106)

6. TERRE, F. *La réforme du droit des obligations*, Dalloz, 2016 - TERRE, F., SIMLER, Ph., LEQUETTE, Y. et CHENDE F., *Droit civil, les obligations*, Précis Dalloz, 12^{ème} éd., Dalloz, 2018

۱.۱. شکل‌گیری ايقاع و امکان رد آن

آشنایی با چگونگی شکل‌گیری ايقاع (گفتار اول) و امکان رد آن (گفتار دوم)، زمینه‌ساز شناسایی اقسام گوناگون ايقاع است.

۱.۱.۱. شکل‌گیری ايقاع

«ایقاع» عمل حقوقی یک‌طرفه‌ای است که نیاز به توافق ندارد، با یک اراده و انشاء واقع می‌شود و شکل می‌گیرد. این عمل حقوقی یک‌طرفه ممکن است لازم و به اذن قانونگذار، قابل فسخ باشد و یا به صورت عمل حقوقی جایز پیش‌بینی شود.^۱ در قانون مدنی ایران، تعریف صریحی از «ایقاع» ارائه نشده است. با وجود این، احکام ايقاع در مباحثی مانند فسخ، ابراء، حیات مباحات، طلاق، بذل مدت در نکاح منقطع، رجوع، تنفیذ، اخذ به شفعه و... قانون مدنی قابل مشاهده است.

۱.۱.۲. امکان رد

برخی از ايقاع‌ها «نهادی مستقل است؛ با یک اراده واقع می‌شود، اثر می‌کند و برپای می‌ماند مانند: طلاق، فسخ، رجوع، تنفیذ و حیات مباحات. بخش دیگر، که در حقوق دیگران اثر آشکارتر دارد، با یک اراده به وجود می‌آید ولی با رد مخاطب آن از بین می‌رود مانند: وصیت عهدی که با اراده موصی واقع می‌شود، لیکن با رد وصی در زمان حیات موصی از بین می‌رود»^۲. بر این اساس، می‌توان گفت: «ایقاع» عمل حقوقی یک‌طرفه‌ای است که نیاز به توافق ندارد، با یک اراده واقع می‌شود و شکل می‌گیرد. لیکن، کسی که اثر ايقاع با حقوق او برخورد دارد، با مجوز قانونگذار می‌تواند آن را رد کند.^۳

ماده ۸۳۴ قانون مدنی در این رابطه مقرر می‌دارد: «در وصیت عهدی قبول شرط نیست لیکن وصی می‌تواند مادام که موصی زنده است وصایت را رد کند و اگر قبل از فوت موصی رد نکرد بعد از آن حق رد ندارد اگرچه جاهل بر وصایت بوده باشد». صراحت صدر ماده ۸۳۴ قانون مدنی

۱. جعفری لنگرودی، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، همان منبع، ش. ۷۸۹ - کاتوزیان، *حقوق مدنی، ايقاع*، همان منبع، ص ۵۰، شماره ۲۴ به بعد.

۲. کاتوزیان، *حقوق مدنی، ايقاع*، همان منبع، ص ۲۲.

۳. کاتوزیان، *حقوق مدنی، ايقاع*، همان منبع، ص. ۱۸ و ص ۲۶.

مبنی بر عدم شرطیت «قبول» در وصیت عهدی به همراه تایید بسیاری از حقوقدانان ایرانی، بیانگر پذیرش «وصیت عهدی» در نظام حقوقی ایران به عنوان مصداق «ایقاع» است.^۱ تقابل عنوان «قبول» که موجب شکل‌گیری عمل حقوقی است و عنوان «رد» که موجب زوال آن است، در ماده ۸۳۴ قانون مدنی در رابطه با امکان رد وصیت عهدی^۲ (به‌عنوان مصداق ایقاع)، قابل مشاهده است. امکان رد «شرط به نفع ثالث» نیز به نظر اندیشمندان حقوقی، با ایقاع بودن این شرط منافات ندارد و آن را به مفهوم عقد نزدیک نمی‌سازد.^۳ بر این اساس، رد شخص ثالثی که حق به سود او ایجاد شده، مصداق رد «ایقاع» است.^۴ بنابراین مراتب یادشده، هرگاه عملی حقوقی با یک اراده واقع شود، «ایقاع» است، هرچند که اراده دیگری بتواند آن عمل را «رد» یا «فسخ» و اثر ایجاد شده آن را برطرف نماید.^۵

۱.۲. آثار ایقاع

عمل حقوقی «ایقاع» سبب ایجاد حق (گفتار اول) و یا موجب اسقاط آن می‌گردد (گفتار دوم).

۱.۲.۱. ایقاع، سبب ایجاد حق

نهاد حقوقی ایقاع ممکن است سبب ایجاد «حق عینی»^۶ و یا «حق دینی»^۷ شود. به منظور بیان مثال «ایقاع» در شکل «ایجاد حق عینی»، می‌توان به ماده ۱۴۳ قانون مدنی اشاره نمود. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «هرکس از اراضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملک احیا

۱. امامی، دکتر سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج. ۳، ص. ۱۰۴ - کاتوزیان، *حقوق مدنی، ایقاع*، همان منبع، ص ۲۷.
 ۲. ماده ۸۲۶ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «وصیت تملیکی عبارت است از این که کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند. وصیت عهدی عبارت است از این که شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری یا تصرفات دیگری مأمور می‌نماید. وصیت کننده موصی، کسی که وصیت تملیکی به نفع اوشده است موصی له، مورد وصیت موصی به و کسی که بموجب وصیت عهدی ولی بر مورد ثلث یا بر صغیر قراردادده می‌شود وصی نامیده می‌شود».

۳. کاتوزیان، *حقوق مدنی، ایقاع*، همان منبع، ص ۲۷.

۴. برای ملاحظه نظرات مرتبط با موضوع ر.ک. جعفری لنگرودی، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، همان منبع، ش ۷۸۹.

۵. برای مطالعه تفصیلی ر.ک. کاتوزیان، *حقوق مدنی، ایقاع*، همان منبع، ص ۲۹ به بعد.

۶. حق عینی، سلطه شخص نسبت به عین و شی خارجی است مانند مالکیت عین و منفعت.

۷. حق دینی حقی است که شخص نسبت به دیگری پیدا می‌نماید مانند حق بستانکار بر بدهکار.

کند مالک آن قسمت می‌شود». در این مثال، اراده یک نفر سبب تملک حقی عینی و ایجاد آن می‌شود. ماده ۸۰۸ قانون مدنی نیز مثال دیگری برای بیان ایقاع موجد حق عینی است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «هر گاه مال غیرمنقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند. این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می‌گویند». در این شکل از ایقاع، شخص بدون واسطه و با اراده خود و با اجازه قانونگذار، حقی نسبت به چیزی ایجاد می‌نماید و سبب ایجاد «حق عینی» می‌گردد. همچنین، ممکن است «ایقاع» سبب ایجاد «حق دینی» گردد. «شرط به نفع ثالث» مثال مناسبی برای ایجاد «حق دینی» است. مواد ۱۹۶، ۷۶۸ و ۷۶۹ قانون مدنی، بیانگر مثال‌های بیان ایقاع موجد حق دینی است.^۱

۱.۲.۲. ایقاع، موجب اسقاط حق

نهاد حقوقی «ایقاع» ممکن است در قالب «اسقاط حق» تجلی خارجی پیدا کند. برای مشاهده مصداق این شکل از ایقاع، مراجعه به متن ماده ۱۷۸ قانون مدنی راه‌گشا خواهد بود. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است، مال کسی است که آن را بیرون بیاورد». در این مثال، «اعراض»، صرف‌نظر کردن از «حق عینی» و اسقاط آن است. در واقع، در این ماده قانونی، اراده یک‌نفر سبب خارج شدن مال از ملکیت او می‌شود. شکل دیگر تحقق ایقاع اسقاط‌کننده حق، عمل حقوقی «ابراء» است. برای مشاهده مصداق این ایقاع معین در قانون مدنی، مراجعه به مندرجات ماده ۲۸۹ قانون مدنی راه‌گشاست. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به‌اختیار صرف‌نظر نماید». این عمل حقوقی که در واقع اسقاط حق دینی است، حتی در صورت مخالفت مدیون نیز صورت می‌پذیرد.

۱. ماده ۱۹۶ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود معذک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید». ماده ۷۶۸ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال‌الصلحی که می‌گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند این تعهد ممکن است به نفع طرفین مصالحه یا به نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود». ماده ۷۶۹ قانون مدنی مقرر می‌نماید: «در تعهد مذکوره در ماده قبل به نفع هر کس که واقع شده باشد ممکن است شرط نمود که بعد از فوت منتفع نفقه به وراث او داده شود».

۲. چالش‌شناسایی اعتبار ایقاع نامعین و تعهد یک‌طرفه

در نظام حقوقی ایران، نمونه‌هایی از ایقاع‌های معین، توسط قانون‌گذار صحیح و معتبر شناخته شده است. لیکن، پذیرش ایقاع نامعین و بارنمودن اثر حقوقی بر آن، محل بحث و مناقشه قرار گرفته است.^۱ درواقع، این پرسش مطرح است؛ آیا علاوه بر مواردی از «ایقاع معین» که مورد پذیرش قانون‌گذار قرار گرفته و مقررات آن صریحاً در قانون پیش‌بینی شده است، دلیلی مبنی بر صحت و اعتبار عام «ایقاع نامعین» نیز وجود دارد؟ به عبارت دیگر، همان‌گونه که برای صحت عقود نامعین به ماده ۱۰ قانون مدنی استناد می‌گردد، آیا مستندی برای صحت و اعتبار عام «ایقاع نامعین» در حقوق ایران وجود دارد؟ با این نگاه و با توجه به شناسایی «تعهد یک‌طرفه» به عنوان مصداق «ایقاع»، نسبت به اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» به طور کلی به عنوان منبع ایجاد تعهد در حقوق ایران، بین علمای حقوق اختلاف شده است.^۲

۲.۱. مخالفت با اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» و «ایقاع نامعین» به طور کلی به عنوان سبب ایجاد تعهد، زمینه ساز طرح پرسش جریان این حکم در حوزه «حقوق مالی» اختلاف حقوق‌دانان ایرانی درخصوص اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» به عنوان منبع ایجاد تعهد، به اختلاف در صحت و اعتبار «ایقاع نامعین» بازمی‌گردد. ایقاع‌های معین در قانون نام‌گذاری شده و دارای احکام خاص می‌باشند. لیکن، «ایقاع نامعین» احکام صریح و روشنی ندارد. به عبارت دیگر، «اراده یک تن ممکن است سبب تملک حقوق عینی شود (حیازت مباحات) و مالی را از ملکیت شخص خارج کند (اعراض) یا عقد غیرنافذ را معتبر سازد و حق دینی را ساقط کند...»^۳ ولی، مسئله مورد نزاع این است که، آیا شخص می‌تواند، بدون توافق دیگری، تعهدی به سود او بر ذمه خود گذارد؟ به بیان دیگر، اراده یک طرف به تنهایی برای

۱. ر.ک. کاتوزیان، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع*، همان منبع، ش ۴۴۹ - صفائی، دکتر سیدحسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۴، ص. ۲۱

۲. برای مطالعه مرتبط ر.ک. امیری قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، ج دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۶، ص. ۲۱ به بعد.

۳. کاتوزیان، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع*، همان منبع، ص. ۲۰، ش ۶

ایجاد تعهد کافی است یا توافق اراده او و طرف مقابل از لوازم حتمی آن است؟^۱ براین اساس، پذیرش «ایقاع نامعین» به طور کلی به عنوان منبع ایجاد تعهد و بار نمودن اثر حقوقی بر آن، محل بحث و مناقشه قرار گرفته است.^۲

۲.۱.۱. نظرات مخالفین اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» و «ایقاع نامعین» به طور کلی به عنوان سبب ایجاد تعهد

به نظر یکی از اساتید معاصر: «در قانون مدنی ما هیچ ماده‌ای وجود ندارد که به طور صریح یا ضمنی، ایجاد تعهد را به وسیله اراده یک‌تن به طور عام تجویز کند و در منابع ایجاد حق دینی هم نامی از ايقاع برده نشده است. پس در حقوق کنونی نمی توان ايقاع را از منابع ایجاد تعهد به شمار آورد».^۳ با وجود این، در جای دیگر گفته شده: ايقاع «احتمال دارد حقی برای انشاء‌کننده به وجود آورد یا دینی بر عهده او گذارد یا رابطه حقوقی پیش از آن را اعتبار بخشد یا بگسلد... و مانند این‌ها».^۴ بر این اساس و با توجه به این که برعهده گرفتن یک طرفه، از مصادیق تعهد یک‌طرفه است، در قول اخیر، تعهد یک‌طرفه به عنوان مصداق «ایقاع» پذیرفته شده است. با وجود این، حتی بر فرض قبول مراتب اخیر، مبنی بر پذیرش «تعهد یک‌طرفه» به عنوان مصداق «ایقاع» در فرض یادشده، مطالب پیش گفته، بیانگر پذیرش عام و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» به طور کلی در حقوق ایران نمی‌باشد.

در این راستا، یکی دیگر از اساتید معاصر معتقد است: «شک نیست که ايقاع یا عمل حقوقی یک‌جانبه در پاره‌ای موارد به حکم قانون معتبر و منشأ اثر شناخته شده است؛ لیکن در اینکه آیا اراده‌ی یک نفر به تنهایی همیشگی می‌تواند برای او ایجاد تعهد کند و به عبارت دیگر در ارزش حقوقی تعهد یک‌طرفه، به طور کلی، بین علمای حقوق اختلاف است».^۵ ایشان معتقدند: در حقوق ایران «اراده یک جانبه فرد، جز در مواردی که قانونگذار صریحاً پیش‌بینی کرده باشد، نمی‌تواند

۱. همان منبع، همان جا.

۲. ر.ک. همان منبع، ش ۴۴۹ - صفائی، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادهای، همان منبع، ص ۲۱.

۳. کاتوزیان، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع، همان منبع، ۱۳۹۲، ص ۲۱ و ۲۲، ش ۶.

۴. کاتوزیان، *حقوق مدنی*، ايقاع، همان منبع، ص ۱۰، ش ۲.

۵. صفائی، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادهای، همان منبع، ص ۲۱.

ایجاد تعهد کند»^۱ و «قانونگذار ایران در هیچ ماده‌ای اراده‌ی یک‌جانبه فرد را به طور کلی سبب ایجاد دین و منبع تعهد معرفی نکرده» است.^۲

۲.۱.۲. نتیجه و پرسش

بر مبنای نظرات یادشده این گروه از حقوق‌دانان ایرانی، دلیلی که گویای صحت و اعتبار عام «ایقاع نامعین» باشد، وجود ندارد. صرف‌نظر از وجود نظر مخالف در مورد صحت و اعتبار نظریه یادشده^۳، حال این پرسش مطرح است؛ حکم یادشده مبنی بر عدم وجود دلیل گویای اعتبار «ایقاع نامعین»، آیا در حوزه حقوق مالی نیز به قوت خود باقی است؟ برای پاسخ به این پرسش، نظریه «صحت و اعتبار تعهد یک‌طرفه با استناد به مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲.۲. نظریه صحت و اعتبار تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران با استناد به مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی و اندیشه مخالف

نظریه صحت و اعتبار تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران با استناد به مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی، توسط برخی از اساتید معاصر مطرح شده^۴ (گفتار اول) اما این اندیشه مورد مخالفت تعدادی دیگر از اساتید قرار گرفته است (گفتار دوم).

۲.۲.۱. نظریه صحت و اعتبار تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران با استناد به مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی

به منظور اثبات صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» در حقوق ایران به مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی استناد شده است.^۵ شایان ذکر این‌که؛ در صورت پذیرش تفسیر و استدلال مربوط به

۱. همان منبع، همان جا

۲. همان منبع، همان جا

۳. جعفری لنگرودی، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، همان منبع، ش ۱۳۴۹- جعفری لنگرودی، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، همان منبع، ص ۱۴۸، ش ۴۰۰.

۴. جعفری لنگرودی، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، همان منبع، ص ۱۴۸، ش ۴۰۰.

۵. همان منبع، همان جا

مندرجات ماده ۳۰ قانون مدنی در مورد صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» در حقوق ایران^۱، استناد به ماده ۱۳۳ این قانون^۲ و با مستندات قانونی دیگر، جهت اثبات ادعای یادشده، ضروری به نظر نمی‌رسد. به منظور اثبات اعتبار «تعهد یک‌طرفه» در حقوق ایران با استناد به ماده ۳۰ قانون مدنی گفته شده: «تصرف در این ماده شامل تصرف مادی و تصرف حقوقی می‌شود. بدیهی است که تعهدی که ایجاب کننده در عقد غائبین صرفاً به قصد خود برای خود ایجاد می‌کند، مصداق «تصرف حقوقی» است و قانون هم این نوع تصرف را استثناء نکرده است پس این تعهد یک‌طرفی لازم به حکم ماده ۳۰ نافذ است»^۳.

اگرچه در نظریه یادشده، صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» به طور کلی مطرح گردیده لیکن، استناد به ماده ۳۰ قانون مدنی در استدلال اخیر، بیانگر، تعیین حوزه نظریه صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» در محدوده «مایملک و حقوق مالی» به عنوان مصداق ايقاع نامعین در مورد امور مالی است.

۲.۲.۲. اندیشه مخالف

استناد به ماده ۳۰ قانون مدنی در استدلال پیش‌گفته، مورد پذیرش مخالفین نظریه اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» در نظام حقوقی ایران قرارنگرفته است. به نظر ایشان، مقصود از انشاء ماده ۳۰ قانون مدنی، بیان امکان تصرف مالک و حدود اختیارات اوست و توجهی به راه تصرف و اسباب ایجاد دین ندارد و در فرضی که منابع حق دینی محدود می‌شود، عموم ماده ۳۰ هیچ فایده‌ای در حل موضوع ندارد^۴. با این توجه و به منظور روشن شدن نظرات طرفین اختلاف یادشده، بررسی و تحلیل ماده ۳۰ قانون مدنی ایران لازم به نظر می‌رسد.

۱ ماده ۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرمالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد»

۲ ماده ۱۳۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد».

۳. جعفری لنگرودی، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، همان منبع، ص. ۱۴۸، ش ۴۰۰.

۴. کاتوزیان، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع*، همان منبع، ص. ۲۲ - صفائی، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، همان منبع، ص ۲۱.

۳. بررسی ماده ۳۰ قانون مدنی و آشنایی با مبنای نظریه اعتبار و ارزش «تعهد یک‌طرفه»

شناسایی مبنا و قلمروی ماده ۳۰ قانون مدنی (قسمت اول) به همراه آشنایی با مندرجات متن این ماده قانونی و موضوع آن (گفتار دوم) زمینه‌ساز روشن شدن نظرات طرفین اختلاف، در خصوص اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» به عنوان منبع ایجاد تعهد می‌گردد.

۳.۱. مبنا و قلمرو ماده ۳۰ قانون مدنی

قاعده تسلیط به‌عنوان مبنای مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی ایران شهرت یافته است (گفتار اول). با وجود این، در حقوق مدنی ایران، صرف‌نظر از ضرورت توجه به مبنای ماده ۳۰ قانون مدنی، قلمرو این ماده قانونی، بر مبنای متن و مندرجات آن تعیین می‌گردد (گفتار دوم).

۳.۱.۱ مبنای ماده ۳۰ قانون مدنی

قاعده تسلیط به‌عنوان مبنای مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی ایران شهرت یافته است.^۱ این قاعده، یکی از قواعد مشهور فقهی است. قاعده یادشده با عنوان «قاعده تسلط» نیز شناخته شده لیکن، در عبارت فقها به «قاعده سلطنت» معروف است. کتاب، سنت، اجماع و سیره عقلا به عنوان مستندات این قاعده اعلام شده و مشهورترین مستند آن، حدیث «ان الناس مسلطون علی اموالهم» می‌باشد.^۲

قاعده تسلیط، در اصطلاح فقهی به معنی تسلط و اختیار مالک برای هرگونه تصرف در اموال خویش است و هیچ کس نمی‌تواند بدون مجوز شرعی مانع تصرفات او شود. با این توجه، اصل بر آن است که مالک حق همه‌گونه تصرف در مایملک خود را دارد، مگر آن که به موجب دلیل شرعی، خلاف آن ثابت شود. بنابراین، در موارد شک و تردید نسبت به جواز تصرف مالک نسبت

۱. ماده ۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرمالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد» - ماده ۳۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون.»

۲. *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۲۷۳، ح ۷ - بیهقی، ابوبکر محمد بن حسن، *السنن الکبری*، ج ۶، ص ۱۰۰ - احسائی، احمد (ابن‌ابی‌الجمهور)، *عوالی الالهی*، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۹۹. به نقل از محقق داماد، دکترسید مصطفی، *قواعد فقه*، بخش مدنی ۲، سمت، ۱۳۷۴، ص ۹۷.

به مایملک خود، با استناد به این قاعده فقهی می‌توان گفت؛ با توجه به عدم وجود دلیل بر منع، مالک مجاز به همه‌گونه تصرف در مایملک خود می‌باشد.^۱

از سوی دیگر، بعضی معتقدند حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» به عنوان مهمترین مبنای قاعده تسلیط «...برای بیان این معنی نیست که چه نوع تصرفی جائز است و چه نوع تصرفی جائز نیست... بلکه ممکن است مفاد حدیث فقط ناظر به ممنوع نبودن مالک از تصرف در اموال خود در جهات مشروع باشد»^۲. لیکن، این استدلال، توسط ناقل آن رد شده است.^۳ از سوی دیگر، برخی دیگر از فقیهان معتقدند؛ قاعده تسلیط، علاوه بر اموال اشخاص، حقوق ایشان را نیز در برمی‌گیرد.^۴

به نظر برخی از حقوق‌دانان؛ «حق مالکیت» به مالک اجازه می‌دهد که اثباتاً هرگونه تصرفی در ملک خود بنماید و نفیاً دیگران را از هرگونه تصرفی در آن منع کند. قسمت مثبت این تعریف در ماده «۳۰» و قسمت منفی آن در ماده «۳۱» قانون مدنی ایران قابل مشاهده است.^۵ باتوجه به مراتب یادشده، به نظر می‌رسد منبع اصلی مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی ایران، «قاعده تسلیط» است.

۳.۱.۲ قلمرو ماده ۳۰ قانون مدنی

به منظور روشن شدن موضوع اختلاف پیش‌گفته درخصوص نظریه صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» در حقوق ایران و تعیین محل بحث، شناسایی قلمرو ماده ۳۰ قانون مدنی لازم به نظر می‌رسد. با این رویکرد، باید توجه نمود؛ در حوزه حقوق مدنی ایران، قلمرو ماده ۳۰ قانون مدنی بر مبنای متن و مندرجات آن تعیین می‌گردد. براین اساس، تمامی استدلال‌های ارائه‌شده در مورد «قاعده تسلیط» و منابع آن در کتب فقها، جهت تعیین قاعده مستفاد از متن ماده ۳۰ قانون مدنی، الزاماً قابل اعمال نخواهد بود. چراکه، این ماده قانونی در حقوق ایران، قاعده‌ای را

۱. ر.ک. محقق داماد، *قواعد فقه*، بخش مدنی ۲، همان منبع، ص ۹۴.

۲. به نقل از محقق داماد، *قواعد فقه*، بخش مدنی ۲، همان منبع، ص ۱۰۳.

۳. ر.ک. همان منبع، ص ۱۰۴.

۴. نجفی، الشیخ محمد حسن، *جواهرالکلام فی شرح تشریح الاسرار*، ج ۲۵، ص ۲۲۸، بیروت ۱۹۸۱- مکارم

شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، ص ۳۶، قم ۱۴۱۶

۵. امامی، دکتر سیدحسن، *حقوق مدنی*، ج ۱، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۳، ص ۴۴.

پایه‌ریزی نموده که قلمرو آن بر مبنای مندرجات متن آن تعیین می‌گردد و متن این ماده قانونی نیز الزاما منطبق بر تمامی برداشت‌ها و گرایش‌های فقهی درخصوص «قاعده تسلیط» و منابع آن، نمی‌باشد. با این توجه، بررسی مندرجات متن ماده ۳۰ قانون مدنی لازم به‌نظر می‌رسد.

۳.۲. مندرجات متن ماده ۳۰ قانون مدنی و موضوع آن

در نظام حقوقی ایران، قلمرو ماده ۳۰ قانون مدنی، بر مبنای متن آن تعیین می‌گردد. بر این اساس، شناسایی مندرجات متن ماده ۳۰ قانون مدنی (گفتار اول) به همراه موضوع آن (گفتار دوم) ضروری به نظر می‌رسد.

۳.۲.۱. مندرجات متن ماده ۳۰ قانون مدنی

ماده ۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرمالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». موضوع «حق همه‌گونه تصرف» مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی، عنوان «مایملک» موجود در این ماده قانونی است. حال این پرسش مطرح می‌گردد؛ منظور از «مایملک» در این ماده قانونی چیست؟ آیا مراد قانون‌گذار از به‌کارگیری عنوان «مایملک» مفهوم برگرفته از واژه «مال» است یا مفهوم واژه «ملک» و یا هردوی آن‌ها؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا رابطه «ملک» و «مال» بررسی می‌گردد و سپس عناوین و واژه‌های باب دوم قانون مدنی (درحقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به اموال حاصل می‌شود)، ماده ۲۹، ۳۰ و تعدادی دیگر از مواد مرتبط با موضوع این قانون مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

گفته شده رابطه «ملک» و «مال»، عموم و خصوص من وجه است «چنانکه کبوتر صید نشده که از مباحات است مال است ولی ملک نیست و میوه گندیده دکان میوه‌فروشی که از مالیت افتاده باشد مال نیست ولی ملک صاحب میوه است و او نسبت به آن میوه حق اختصاص دارد و می‌تواند هر نوع دخل و تصرف در آن بکند»^۱. با وجود این، باید توجه نمود؛ ماده ۲۹ قانون مدنی، رابطه «مالکیت» اشخاص با «اموال» را مورد بررسی قراردادده است. در نتیجه، نقاط افتراق مابین «ملک» و «مال» اساسا موضوع ماده ۳۰ قانون مدنی نبوده و تنها نقطه اشتراک آن دو یعنی ملکی که مالیت دارد و بر عنوان «مال» منطبق است موضوع «مایملک» این ماده قانونی است.

۱. جعفری لنگرودی، *ترمینولوژی حقوق*، همان منبع، ش ۵۴۷۰.

از سوی دیگر، باب دوم از کتاب اول «در بیان اموال و مالکیت به طور کلی» ذیل جلد اول «در اموال» قانون مدنی با عنوان «در حقوق مختلفه که برای اشخاص نسبت به اموال حاصل می‌شود» شروع شده است. بر این اساس، در باب دوم، رابطه «شخص» با «مال» با عنوان «مالکیت» مورد بررسی قرار می‌گیرد. ماده ۲۹ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: «ممکن است اشخاص نسبت به اموال علاقه‌های ذیل را دارا باشند: ۱- مالکیت (اعم از عین و منفعت). ۲- حق انتفاع. ۳- حق ارتفاق به ملک غیر». بنابراین، عنوان «مالکیت» در این ماده قانونی، بیانگر رابطه و علاقه «شخص» با «مال» است. بر این اساس، در نظر قانون مدنی، ملکی که مالیت دارد و بر عنوان «مال» منطبق است، موضوع رابطه «شخص» با «مال» خواهد بود.

باتوجه به مراتب بالا؛ موضوع «مایملک» ماده ۳۰ قانون مدنی ایران، «ملک» در معنای عام، قابل انطباق بر عنوان «مال» است. این معنا در مواد ۳۷، ۱۷۴^۲ و ۸۴۱^۳ قانون مدنی قابل مشاهده است. لازم به ذکر است؛ واژه «ملک» در قانون مدنی در دایره محدودتری از معنای عام آن و به معنای «مال غیرمنقول» نیز به کار گرفته شده است. این نوع به کارگیری واژه «ملک» در مواد ۴۳، ۹۸، ۱۰۹، ۱۳۲^۷ و ۱۷۵^۸ قانون مدنی قابل مشاهده است. اما، موضوع «مایملک» مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی، عام و وسیع‌تر از این معنی خاص و محدود است.

۱. ماده ۳۷ قانون مدنی مقرر می‌نماید: اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است در این صورت مشارالیه نمی‌تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند مگر اینکه ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است.
۲. ماده ۱۷۴ قانون مدنی مقرر می‌نماید: دفینه که مالک آن معلوم نباشد ملک کسی است که آن را پیدا کرده است.
۳. ماده ۸۴۱ قانون مدنی مقرر می‌نماید: موصی به باید ملک موصی باشد و وصیت به مال غیر ولو با اجازه مالک باطل است.
۴. ماده ۹۳ قانون مدنی مقرر می‌نماید: ارتفاق حقی است برای شخص در ملک دیگری
۵. ماده ۹۸ قانون مدنی مقرر می‌نماید: اگر کسی حق عبور در ملک غیر ندارد ولی صاحب ملک اذن داده باشد که از ملک او عبور کنند هر وقت بخواهد می‌تواند از اذن خود رجوع کرده و مانع عبور او بشود و همچنین است سایر ارتفاقات.
۶. ماده ۱۰۹ قانون مدنی مقرر می‌نماید: دیواری که مابین دو ملک واقع است مشترک مابین صاحب آن دو ملک محسوب میشود مگر اینکه قرینه یا دلیلی بر خلاف آن موجود باشد.
۷. ماده ۱۳۲ قانون مدنی مقرر می‌نماید: کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.
۸. ماده ۱۷۵ قانون مدنی مقرر می‌نماید: اگر کسی در ملک غیر دفینه پیدا نماید باید به مالک اطلاع دهد اگر مالک زمین مدعی مالکیت دفینه شد و آن را ثابت کرد دفینه به مدعی مالکیت تعلق می‌گیرد.

۳.۲.۲. موضوع ماده ۳۰ قانون مدنی

«ملک» در معنای عام آن، حق و اختیار قانونی شخص نسبت به اشیاء و اموال است و موضوع آن «حق مالکیت» است. مالکیت، کامل‌ترین حق عینی است که انسان می‌تواند بر مالی داشته باشد و سایر حقوق عینی از شاخه‌های این حق است.^۱ موضوع ماده ۳۰ قانون مدنی نیز «ملکی» است که «مالیت» داشته باشد. بنابراین، موضوع «مایملک» مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی «حق مالی» است. بر این اساس، در نظریه‌ای که برای صحت و اعتبار تعهد یک‌طرفه به متن ماده ۳۰ قانون مدنی استناد می‌گردد، موضوع نظریه یادشده در حوزه «حقوق مالی» قابل استناد و دفاع است. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد، در استدلال مطرح‌شده مبتنی بر عموم ماده ۳۰ قانون مدنی در جهت اثبات صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» در حقوق ایران، امکان انحاء تصرفات در «حقوق مالی» به عنوان موضوع بحث قابل توجیه است. همچنین، به نظر می‌رسد، این استناد نیز در چارچوب ايقاع نامعین مربوط به امور مالی است.^۲ این در حالی است که، موضوع استدلال مخالفین نظریه اعتبار عام و صحت «تعهد یک‌طرفه» در حقوق ایران محدود به حقوق مالی نمی‌گردد.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، نظریه اعتبار «تعهد یک‌طرفه»، به‌طور کلی مطرح گردیده لیکن، باتوجه به مراتب بالا، به نظر می‌رسد؛ استناد به ماده ۳۰ قانون مدنی، برای اثبات صحت و اعتبار تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران، نظریه یادشده را تنها در محدوده «مایملک» و «حقوق مالی» توجیه می‌نماید.^۳ این در حالی است که، موضوع نظرات مخالف، مبنی بر «عدم دلالت ماده ۳۰ قانون مدنی بر اعتبار عام تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران» به طور کلی است و محدود به «حقوق مالی» نمی‌گردد.^۴ با این توجه، در فرض محدودیت نظریه «اعتبار تعهد یک‌طرفه» به «مایملک» و «حقوق مالی»، تعارض مابین دو نظریه یادشده به دلیل عدم انطباق کامل موضوع آنها، شکل نمی‌گیرد. به عبارت دیگر، در فرض یادشده، عموم ماده ۳۰ قانون مدنی محدود به

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، اموال و مالکیت*، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۶ ش ۱۱۰.
۲. جعفری لنگرودی، *ترمیمولوژی حقوق*، همان منبع، ش ۱۳۴۹.
۳. همان منبع، همان جا.
۴. کاتوزیان، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع*، همان منبع، ص. ۲۲ - صفائی، صفائی، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، همان منبع، ص ۲۱.

«مایملک» و «حقوق مالی» خواهد بود درحالی‌که، نافی در مقام اثبات عدم دلالت ماده ۳۰ برای اعتبار «تعهد یک‌طرفه» به‌طور کلی در حوزه حقوق مالی و غیرمالی در نظام حقوقی ایران است.

۴. ارزیابی استدلال مخالفین نظریه «اعتبار عام و ارزش تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران» و حاصل آن

ارزیابی استدلال مخالفین نظریه اعتبار عام و ارزش تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران (قسمت اول) زمینه‌ساز دستیابی به حاصل آن و نهایتاً توسعه دامنه بحث خواهد شد. (قسمت دوم)

۴.۱. ارزیابی استدلال مخالفین

صرف‌نظر از مطالب پیش‌گفته، مبنی بر عدم انطباق کامل موضوع ادعای طرفین، استدلال مخالفین نظریه اعتبار عام و ارزش تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران در دو مرحله قابل ارزیابی است. (گفتار اول و دوم)

۴.۱.۱. ارزیابی قسمت اول استدلال مخالفین

صرف‌نظر از مراتب یادشده، مبنی بر عدم انطباق کامل موضوع ادعای طرفین، درخصوص قسمت اول استدلال مخالفین نظریه اعتبار عام و ارزش تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران، به نظر می‌رسد: این استدلال در صورتی صحیح است که مدعی «دلالت ماده ۳۰ قانون مدنی بر اعتبار تعهد یک‌طرفه» با استناد به مقدمات حکمت و اطلاق موجود در الفاظ ماده ۳۰ قانون مدنی و با استناد به دلیل غیرلفظی (دلیل لیبی)، مدعی نفوذ تعهد یک‌طرفه شده باشد. درحالی‌که، مدعی نفوذ تعهد یک‌طرفه، با استناد به عبارت «حق همه‌گونه تصرف» مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی، درصدد اثبات نظریه نفوذ تعهد یک‌طرفه درچارچوب مندرجات و الفاظ ماده ۳۰ قانون مدنی بوده است. اصطلاح «همه‌گونه» بیانگر عموم و مصادق روشن دلیل لفظی است و دلالت آن از نوع دلالت دلیل غیرلفظی (لیبی) نمی‌باشد تا با تمسک به ادعای «عدم توجه قانونگذار به راه تصرف و اسباب ایجاد دین» بتوان دلیل لفظی را از درجه اعتبار ساقط نمود. براین‌اساس، عبارت «همه‌گونه تصرف» مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی، شامل تصرف مادی و حقوقی خواهد شد. علاوه بر مراتب اخیر، انتخاب «راه تصرف» (مورد ادعای نافی دلالت ماده ۳۰ قانون مدنی نسبت به نفوذ تعهد یک‌طرفه) از مصادیق «حدود اختیارات مالک نسبت به مایملک خود» است.

۴.۱.۲. ارزیابی قسمت دوم استدلال مخالفین

در خصوص قسمت دوم استدلال یادشده، مبنی بر رد استناد به عموم ماده ۳۰ قانون مدنی با ادعای «فرض محدودیت منابع حقوق دینی» به نظر می‌رسد؛
 اولاً فرض مسئله، عین مدعای نافی است. به عبارت دیگر، در استناد به عموم ماده ۳۰ قانون مدنی، بر فرض این که مدعی به دنبال اثبات اعتبار و ارزش تعهد یک‌طرفه به‌طور کلی در حقوق ایران باشد، طرف مقابل در مقام نفی این ادعاست. با این توجه، به منظور نفی این ادعا، نمی‌توان مدعی محدودیت منابع حقوق دینی شد مگر اینکه، عموم ماده ۳۰ را ابتدا از درجه اعتبار ساقط نمود و علاوه بر آن محدودیت منابع حقوق دینی را نیز اثبات نمود.
 ثانیاً، استدلال مبتنی بر عموم ماده ۳۰ قانون مدنی، ناظر به امکان تصرف اشخاص در حقوق مالکانه است و مربوط به منابع آن نمی‌باشد. این ماده قانونی از «حق همه‌گونه تصرف» در «مایملک» سخن می‌گوید و به منابع «حق» توجهی ندارد. بدیهی است، صرف وجود محدودیت‌های خاص وضع‌شده توسط قانونگذار، نسبت به شیوه‌های تصرف در حقوق (از جمله حقوق دینی)، مانند هر خاصی، دایره شمول عموم تصرفات را محدود خواهد نمود و موجب ساقط نمودن عموم ماده ۳۰ قانون مدنی در بحث حاضر نخواهد شد.

۴.۲. حاصل ارزیابی و توسعه دامنه بحث

نتیجه بررسی‌های صورت گرفته، با عنوان حاصل ارزیابی و توسعه دامنه بحث (گفتار اول) و به منظور طرح چشم‌انداز بعدی موضوع (گفتار دوم)، فراز پایانی این نوشته خواهد بود.

۴.۲.۱. حاصل ارزیابی

باتوجه به مراتب یادشده و با عنایت به مندرجات متن ماده ۳۰ قانون مدنی به بیانی که گذشت، به نظر می‌رسد؛ در نظام حقوقی ایران، «ایقاع نامعین» در حوزه «حقوق مالی»، دارای ارزش و اعتبار حقوقی و قانونی است. بر این اساس، «تعهد یک‌طرفه» در محدوده «حقوق مالی» نیز که مصداق «ایقاع نامعین» است، صحیح و دارای اثر حقوقی است. در فرض پذیرش نظریه صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» نسبت به «حقوق مالی» در نظام حقوقی ایران، شناسایی این تعهد به عنوان یکی از مصداق‌های ایقاع‌های مورد تایید قانونگذار ایرانی، بلامانع است. در این صورت، اعتبار و صحت ایقاعی که مصداق آن «تعهد یک‌طرفه» نسبت به «حقوق مالی» باشد،

همانند ایقاع‌های معین (ابراء موضوع ماده ۲۸۹ به بعد و اخذ به شفعه در ماده ۸۰۸ به بعد قانون مدنی و...) وابسته به شناسایی خاص صحت و اعتبار آن توسط قانونگذار نخواهد بود و در صورت احراز شرایط عام صحت و اعتبار آن، به عنوان «ایقاع نامعین»، صحیح و معتبر شناخته می‌شود.

۴.۲.۲. توسعه دامنه بحث

به‌منظور توسعه دامنه بحث و طرح چشم‌انداز بعدی در مورد اثبات صحت و اعتبار عام «تعهد-یک‌طرفه» در حقوق ایران، توجه به استدلالی که از حقوقدانان غیرایرانی در خصوص مورد نقل شده، خالی از فایده نخواهد بود. در این نقل قول آمده است: «از لحاظ نظری قابل توجیه است که مطابق اصل حاکمیت اراده، شخص بتواند بدون توافق با دیگری خود را ملزم سازد، زیرا اگر قدرت اجبارکننده عقد به خوبی تحلیل شود، معلوم خواهد شد که سبب واقعی آن قدرت خلاقه اراده هر یک از دو طرف درباره خود اوست»^۱.

بر این اساس، استدلال طرفداران نظریه اعتبار عام و صحت تعهد یک‌طرفه در حقوق ایران مبنی بر این که «تعهد یک‌طرفه در قانون مدنی ایران از موارد سکوت قانونگذار است و به دلیل اخیر و عدم منع قانونگذار، طبق اصول کلی صحیح شمرده می‌شود»^۲ قابل استفاده در جهت طرح توسعه موضوع و طرفداری از نظریه اعتبار عام و صحت تعهد یک‌طرفه و ایقاع نامعین بطور کلی در حقوق ایران خواهد بود. با این حال، توجه به نظرات مخالفین توسعه دامنه بحث، لازم است. به نظر مخالفین؛ «قلمرو ایقاع نامعین بدرستی روشن نیست و درباره ماهیت بیشتر مصداق‌های مورد ادعا نظرها گوناگون و آشفته است، چندان که بعضی از مولفان وجود ایقاع نامعین را انکار کرده‌اند و بر این باورند که ایقاع نافذ محدود به موارد پیش‌بینی شده در قانون است»^۳.

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع، همان منبع، ص. ۲۱ - کاتوزیان، دکتر ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج. ۳، انتشارات بهنشر، چاپ اول، ۱۳۶۸، ش ۶۵۶ به بعد.
 ۲. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، همان منبع، ش ۱۳۴۹.
 ۳. کاتوزیان، حقوق مدنی، ایقاع، همان منبع، ص. ۶۷، ش ۳۴.

نتیجه‌گیری

در مورد اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» به عنوان منبع ایجاد تعهد در حقوق ایران بین علمای حقوق، وحدت نظر وجود ندارد. این پراکندگی نظری، به اختلاف در صحت و اعتبار «ایقاع نامعین» بازمی‌گردد. ایقاع‌های معین در قانون نام‌گذاری شده و دارای احکام خاص می‌باشند. لیکن، «ایقاع نامعین» احکام صریح و روشنی ندارد. براین‌اساس، پذیرش «ایقاع نامعین» به طور کلی به‌عنوان منبع ایجاد تعهد و بارنمودن اثر حقوقی بر آن، محل بحث و مناقشه قرار گرفته است.

به منظور اثبات اعتبار عام «تعهد یک‌طرفه» به ماده ۳۰ قانون مدنی استناد شده لیکن، این استناد، مورد پذیرش مخالفین این نظریه قرارنگرفته است. شناسایی مبنا و قلمروی ماده ۳۰ قانون مدنی به همراه آشنایی با مندرجات متن این ماده قانونی و موضوع آن، زمینه‌ساز روشن شدن نظرات طرفین اختلاف، درخصوص اعتبار عام و ارزش «تعهد یک‌طرفه» به عنوان منبع ایجاد تعهد می‌گردد.

«قاعده تسلیط» مشهور در فقه به عنوان مبنای ماده ۳۰ قانون مدنی ایران شهرت یافته است. این قاعده فقهی، به معنی تسلط و اختیار مالک برای انجام هرگونه تصرف در اموال خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون مجوز شرعی، مانع تصرفات او شود. یکی از قالب‌های مشهور این قاعده فقهی در حقوق ایران، ماده ۳۰ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هرمالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد».

لازم به یادآوری است؛ پس از ورود اندیشه قاعده فقهی تسلیط برگرفته‌شده از ماده ۳۰ یادشده را مندرجات متن این قانون مدنی، قلمرو قاعده حقوقی تسلیط برگرفته‌شده از ماده ۳۰ یادشده را مندرجات متن این ماده قانونی تعیین می‌نماید. بر این اساس، متن این ماده قانونی، الزاماً منطبق بر تمامی برداشت‌ها و گرایش‌های فقهی درخصوص «قاعده تسلیط» مطرح شده در فقه و منابع آن نمی‌باشد. بلکه، ملاک شناسایی قاعده تسلیط برگرفته از ماده ۳۰ قانون مدنی در حقوق ایران، مندرجات متن این ماده قانونی است.

بررسی مندرجات متن ماده ۳۰ قانون مدنی، زمینه‌ساز شناسایی قلمرو قاعده حقوقی موضوع این ماده قانونی است. موضوع «مایملک» مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی «حق مالی» است. عنوان «تصرف» مندرج در ماده ۳۰ قانون مدنی نیز شامل تصرف مادی و تصرف حقوقی است.

با توجه به مراتب یادشده و با استناد به متن ماده ۳۰ قانون مدنی مبنی بر وجود حق همه‌گونه تصرف مادی و حقوقی مالک در حقوق مالی خود، می‌توان گفت؛ در حقوق ایران، «ایقاع نامعین» در حوزه «حقوق مالی»، دارای ارزش و اعتبار حقوقی و قانونی است. براین اساس، «تعهد یک‌طرفه» راجع به «حقوق مالی» نیز که مصداق «ایقاع نامعین» است، صحیح و دارای اثر حقوقی است. در فرض پذیرش نظریه صحت و اعتبار «تعهد یک‌طرفه» نسبت به «حقوق مالی»، شناسایی این تعهد به عنوان یکی از مصداق‌های ایقاع مورد تأیید قانونگذار ایرانی، بلامانع است. در این صورت، اعتبار و صحت ایقاعی که مصداق آن «تعهد یک‌طرفه» نسبت به «حقوق مالی» باشد، همانند ایقاع‌های معین، وابسته به شناسایی خاص صحت و اعتبار آن توسط قانونگذار نخواهد بود و در صورت احراز شرایط عام صحت و اعتبار آن، به عنوان «ایقاع نامعین»، صحیح و معتبر شناخته می‌شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، *تأثیر اراده در حقوق مدنی*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۴۰.
۲. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، کتاب‌خانه گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
۳. جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، *حقوق تعهدات*، ج اول، انتشارات مدرسه عالی امور قضائی و اداری (قم)، چاپ اول، ۱۳۵۴.
۴. صفائی، دکتر سیدحسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۵. قائم مقامی، دکتر عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، ج دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۶.
۶. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، اموال و مالکیت*، نشر میزان، چاپ یازدهم، ۱۳۸۵.
۷. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، ايقاع، (نظریه عمومی - ايقاع معین)*، یلدا، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۸. کاتوزیان، دکتر ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد-ایقاع*، شرکت سهامی انتشار، چاپ دهم، ۱۳۹۲.
۹. کاتوزیان، دکتر ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، ج. ۳، انتشارات به‌نشر، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۰. محقق داماد، دکتر سیدمصطفی، *قواعد فقه*، بخش مدنی ۲، سمت، ۱۳۷۴.

مقاله

۱۱. نجفی‌راد، محمدحسن، *وجوب وفا به شروط و تعهدات ابتدایی از نظر سید یزدی*، نشریه فقه، پژوهشگاه علم و فرهنگ اسلامی، دوره ۱۹، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۷۳.

ب) منابع عربی

کتاب

۱۲. حرالعالمی، محمدبن‌الحسن، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، ج ۱۲، داراحیاء التراث العربی، بیروت - لبنان، بی‌تا.

۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، قم، ۱۴۱۶.

۱۴. نجفی، الشیخ محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۲۵، بیروت ۱۹۸۱.

۱۵. نجفی الخوانساری، الشیخ موسی، *منیه الطالب فی حاشیه المکاسب*، (تقریرات درس آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی)، چاپخانه حیدریه، طهران، چاپ سنگی